الف) معنای ذاتی در هر نماد

«هر رفتار خاص که او آگاهانه آن را انجام می‌دهد نیز نزد وی معنادار است. در مثال مورد بحث، کودک نشان ۲» را به مثابه یک معنا می‌بیند که این معنا بر افرادی منطبق می‌شود»؛ خب او که اصلاً عدد را بلد نیست، چطور به‌مثابه معنا می‌بیند؟! این حرف درست است یعنی وقتی کودک شکل «2» را می‌بیند آن را به‌مثابه معنا می‌بیند؟! خب قرار گذاشتیم که اصلاً عدد دو سرش نمی‌شود. او که عدد بلد نیست. سنش پایین است. این حرف درست هست یا نیست؟ کاملاً این حرف درست است. من قبلاً مکرر آن را توضیح داده‌ام. اگر یادتان باشد در مثال مثلث گفته‌ام؛ مثلث یک شکل و صورت است یا یک معنا؟

شاگرد: معنا است.

استاد: مرحباً بنا صرنا! اما هر کسی سریع این را نمی‌پذیرد. مثلث، شکل است یا معنا است؟ اگر بگویید درد و سوزش و محبت، می‌گویند معنا است. اما خیلی روشن است که مثلث، شکل است. مثلث که معنا نیست، شکل است. با این مثال‌های متعددی که عرض کردم، روشن می‌شود؛ من عرض کردم وقتی بچه در دبستان است، معلم مدام به او مثلث را که می‌گوید، چراهای ندارد پای تخته بیاید و یک مثلث بکشد تا بچه‌ای که هنوز در درک معنای این مثلث قوی نشده، به استعانه شکلِ‌مبصَر حاضر شود؛ شکل را می‌کشد و شکل در قوه خیال دانش‌آموز دبستان می‌آید. این قوه خیال او، این شکل را می‌گیرد و بعد معلم شروع می‌کند مطالبی را راجع به مثلث تعلیم می‌دهد که تعریفش چیست، خصوصیاتش چیست، زوایای آن چیست و همینطور جلو می‌رود. با فاصله کمی -مثلاً سال بعد- هر وقت معلم به این بچه‌ای که حالا کلاس چهارم است، وقتی می‌گوید مثلث، یا مثلث متساوی الساقین، اگر شما دستگاهی بگذارید و ذهن بچه کلاس چهارم را در مانیتوری نشان بدهد و آن را مانیتورینگ کنید، می‌بینید تا معلم مثلث می‌گوید، قوه خیالش فعال می‌شود؛ اول در ذهن خودش یک مثلث می‌کشد، بعد شروع می‌کند حرف استاد را روی این مثلث پیاده می‌کند، تا بفهمد که استاد راجع به مثلث چه گفته. چرا هنوز نیاز دارد که تا معلم مثلث می‌گوید، در ذهنش مثلث را بکشد و بعد حرف استاد را ادامه بدهد؟ چون هنوز ذهن او در درک معنای مثلث قوی نشده است و او نیاز دارد که قوه خیال او کمک کند. اما همین دانش‌آموز به دانشگاه می‌رود و به رشته ریاضی می‌رود. بعد حالا سر کلاس، مثلثات و نسبت‌های آن را بحث داشتند. استاد آمده و بحث‌های سنگینی داشتند. بعد نوارش را پیاده کنید، خودش می‌بیند که استاد سیصد بار در کلاس کلمه مثلث را گفته است. به خودش برمی‌گردد و می‌بیند در ذهن خودش یک بار شکل مثلث را نکشیده است؛ همه حرف استاد را فهمید بدون اینکه نیاز داشته باشد یک مثلثی در ذهن بکشد. یعنی آلان ذهن او در درک معنای مثلث قوی شده و دیگر نیازی به شکل خیالی ندارد؛ شکلی که در قوه مبصَر او ترسیم می‌شود. به این، «معنا» می‌گوییم. پس مثلث معنا دارد؛ مثلث معنای خیلی روشنی دارد که شکل، دارد آن معنا را نشان می‌دهد و محل ظهور آن معنا است.

لذا ایشان که گفتند نماد «2» نزد این بچه معنا دارد، درست است. هر نمادی معنا دارد. جلسه قبل عرض کردم ما سه جور معنا را باید جدا کنیم و عینک برای همین بود. یک معنای نماد، به‌معنای تعریف خودش است. باز یکی از مطالب خوب این است که با اشاره در می‌شوم، چون می‌خواهم مطالبی را عرض کنم. اساساً یکی از مهمترین علومی که الآن بعد از پیشرفت زبان‌شناسی، تازه بشر می‌فهمد چه خبر است - ذهنش عمل می‌کرد، اما حالا می‌فهمد - علم نشانه‌شناسی یا Semiology است. نشانه‌شناسی کجا به کار می‌آید؟ آن جایی که می‌خواهیم چیزی را نشانه چیزی قرار بدهیم و از این

به دیگری پل بزنیم. زبان، ساده‌ترینش است. وقتی «انسان» می‌گویی‌د، به وسیله‌ این لفظی که از دهان بیرون می‌آید، به آن معنا پل می‌زنید؛ به آن حقیقت نوعیه خارجیه پل می‌زنید؛ خیلی روشن است.

چه چیزی لیاقت دارد که نشانه باشد؟ قاعده کلی این است که هر چیزی می‌تواند نشانه باشد؛ کلی یا جزئی، در هر شرائطی، امکانش هست. لذا در آن مباحثه عرض کردم شما می‌گویی‌د لفظ «زید» که روز جمعه در ساعت ده از دهان فلان شخص درآمد، می‌خواهم این لفظ را برای چیزی نشانه بگذارم؛ این‌که محال نیست. چرا؟ چون نشانه می‌تواند هر چیزی باشد. اما در شخصیات، حکیمانه نیست و بیفایده و لغو است. نه این‌که نمی‌شود؛ شما می‌توانی‌د هر چیزی را برای چیزی نشانه بگذاری‌د.

به نظرم مرحوم آقای صدر رضوان‌الله‌علیه در حلقات وقتی می‌خواستند تقارن ذهنی را بگویند، مثال مالاریا و یک شهر را زدند. وقتی می‌خواستند قرن اکیدی را بگویند، فرمودند شخصی به شهری رفته و در آن جا مالاریا گرفته، به همین خاطر تا مالاریا می‌گویند، به یاد آن شهر می‌افتد و تا آن شهر را می‌گویند، به یاد مالاریا می‌افتد. این قرن اکیدی از خواص مهم ذهن است و مراتبی که ذهن دارد.

با این خصوصیت، هر چیزی می‌تواند نماد باشد و هر چیزی یک تعریف و معنایی برای خودش دارد؛ چه کلی و چه جزئی. حتی جزئی هم، طبیعی دارد؛ قبلاً عرض شده بود. روی این حساب، وقتی هر چیزی می‌تواند نشانه شود، لذا هر نشانه‌ای هم برای خودش یک معنا دارد که تعریفش می‌کنیم که این چه چیزی است که می‌خواهیم برای چیز دیگر نشانه قرارش بدهیم؟ به این، معنای ذاتی گفتم که برای خودِ نماد است. باید عینک ما این را ببیند. نباید از این غض نظر کنیم و باید همه جا متوجه آن باشیم. خود یک نماد، یک معنا دارد.

لذا درست فرمودند که این بچه‌ای که اصلاً عدد سرش نمی‌شود، ولی وقتی به همین شکلِ نماد «2» نگاه می‌کند، دریافت او از این شکل، دریافت معنادار است. اگر هم کمی حرف ایشان مبهم است، جلوتر وقتی فکر کنید، می‌بینید که این‌ها مطالب درستی است. هر نماد و شکلی، حتی هر قضیه واقعیه‌ای؛ در آنجا صحبت شد. راجع به مثال نسخه‌ها هم صحبت شد، ولی نرسیدیم بحثش کنیم. مثلاً می‌گویی‌م نسخه فلان راوی که از اصول روایی بوده، نسخه‌ای که نزد زید بوده، نسخه‌ای که نزد عمرو بوده. نسخه‌ها شخصی است. اما در دل هر نسخه، حیثیات متعددهای داریم از معانی و کلیاتی که در دل همین شخص موجود است. نشد توضیحاتش را در اینجا عرض کنم. و لذا بعداً اگر کسی آن نسخه را استنساخ دقیق کند، به‌طوری‌که مطمئن هستیم یک واو کم و زیاد نکرده، بدون مسامحه می‌گویی‌م این نسخه فلان راوی از زراره است. می‌گویی‌د آن را که استنساخ کرده‌اند! می‌گویی‌م ما که می‌گویی‌م نسخه فلان، منظورمان فقط شخص آن برگه نبود، بلکه منظور ما خصوصیاتی بود که در ضمن آن نسخه متحقق بود و اگر ما بتوانیم آن خصوصیات را به نسخه جدید منتقل کنیم - مثل این‌که زیراکس گرفته‌ایم یا اگر عکس آن نسخه را می‌گرفتید - شما می‌گفتید نسخه آن، همان کاغذی است که در آنجا است، نه این چیزی که من عکسش را می‌بینم؟! این همان است. چرا؟ چون آنچه که بدنه فیزیکی و شخصیت فیزیکی آن بود، با آنچه که مقصود ما از آن بود که در نسخه موجود است، آن چیز از صفاتی برخوردار بود که آن صفات قابل سریان در کاغذها و در موطن‌های مختلف بود. این‌ها نکات بسیار پر فایده است.

شاگرد: منظورتان هویت شخصیتی پسین است؟

استاد: بله، احسنت. این مطلب بسیار مهمی در مانحن فیه است.

شاگرد۲: منظورتان از معانی ذاتیه نمادها، همینی است که به این صورت نوشته می‌شود یا آنطور تصور می‌شود؟

استاد: بله، همین شکلی که دارد. اینکه عینک را عرض میکنم، یعنی هر چه انسان جلوتر برود میبیند. شروع میکند چیزهای مهمی را میبیند. این معنای اول بود که هر چیزی میتواند نماد باشد و هر چیزی یک معنایی دارد، پس هر نمادی برای خودش یک معنایی دارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 سپتامبر 2024 13:46:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 سپتامبر 2024 14:32:47 توسط ... .